

بررسی حماسه‌های اسلامی در شعر معاصر عربی

قاسم مختاری*

دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه اراک

مژگان نصیری

کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی از دانشگاه اراک

(۲۶۱-۲۸۰)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۰/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۸/۰۴

چکیده

حماسه، روایت ادیبانه‌ای از رشادت‌های قهرمانان در قالب سبکی فخیم است. ادبیات عربی، به دلایلی، از جمله: عدم گسترش تخیل، روی آوردن به سبک‌های تقلیدی و برخوردار نبودن از ملیت واحد و جامع، با فن حماسه‌سرایی به معنای واقعی کلمه بیگانه بوده است. عدم وجود شاهکار حماسی بلند در ادبیات کهن عربی، شاعران معاصر عرب را بر آن داشت تا خلأ موجود در این زمینه را پر کنند؛ بنابراین به سرودن اشعار حماسی، از جمله حماسه‌های اسلامی پرداختند. حماسه‌های اسلامی، تکیه بر رخدادهای تاریخی - اسلامی دارند. این حماسه‌ها، اشعاری داستانی در قالب شعر تعلیمی‌اند که تاریخ صدر اسلام و رخدادهای آن را به تصویر می‌کشند. برخی پژوهشگران توجه کلاسیک‌ها به این نوع ادبی را نتیجه رویارویی با فرهنگ غرب و گسترش افکار ملی‌گرایانه در جهان عرب می‌دانند؛ هر چند رخدادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دیگری نیز در این مهم دخیل بوده‌اند. یکی از برجسته‌ترین حماسه‌های اسلامی، حماسه «مجد الإسلام» احمد محرم است، که وی با کاربرد واژگان و ترکیب‌های قرآنی، حماسه‌ای درخور توجه سروده است که بحق ناقدان لقب «الإلیاذة الإسلامية» را بدان داده‌اند. همچنین حماسه‌های «دول العرب وعظماء الاسلام» احمد شوقی و «عید الغدیر» بولس سلامه، بیش از دیگر حماسه‌ها درخشیدند.

واژه‌های کلیدی: شعر معاصر عربی، حماسه‌های اسلامی، مجد الإسلام، دول العرب و عظماء الإسلام، عید الغدیر.

* پست الکترونیک نویسنده مسؤول: q-mokhtari@araku.ac.ir

۱- مقدمه

حماسه در لغت به معنای دفاع و نیز شدت در کار است؛ از ریشه حَمَسَ، حماسه؛ حمس الرجل حماسه: آن مرد، دلیر و شجاع شد (معلوف، ۱۳۷۴ش: ۱۵۳). ابن منظور در لسان العرب می‌گوید: حَمَسَ الامرُ حماساً و تحامس القوم تحامسا و حماسا؛ أي تشادوا واقتتلوا والاحمَس والاحمَس والمُتَحَمِّس: الشدید (ابن منظور، ۱۹۹۰م: ۶/۵۷). در ادب عربی، واژه «ملحمه» غالباً مترادف حماسه بکار می‌رود و در مورد کتاب‌هایی از نوع شاهنامه و ایلید، واژه ملحمه را بکار می‌برند که به معنای جنگ و خونریزی بزرگ و در اصل به معنای رزمگاه است؛ همانند ملحمه شاهنامه و ملحمه ایلید. جمع این واژه، ملاحم است. شاید کهن‌ترین کتابی که این واژه در آن بکار رفته است، «البیان و التبيين» جاحظ و فصل پنجاه و سوم مقدمه ابن خلدون باشد (رک: جاحظ، ۱۹۶۸: ۲/۳۲۶؛ ابن خلدون، ۲۰۰۴: ۳۲۱ و ۳۱۴). در اصطلاح ادبی، حماسه به آثار منظوم و منظوری اطلاق می‌شود که از رخدادهای پهلوانی و دلاوری و مردانگی قهرمانان و پهلوانان یک ملت یا یک آیین و کیش سخن می‌راند و در حقیقت، توصیف قهرمانانی است که در راه استقلال کشور و تکوین حکومت و آیین خویش کوشیدند و با دشمنانشان جنگیدند. تقریباً هیچ تمدنی، بدون حماسه نیست؛ در تمدن سومر، حماسه گیلگمش (جلجامش) (*Gilgames*) و در تمدن هند، دو حماسه زیبای مهابهاراتا و رامایانا (*Ramayana*؛ *Mahabharata*) را می‌بینیم. در تمدن یونان، دو حماسه معروف ایلید و اودیسه هومر (*Odysse*؛ *Iliade*) خودنمایی می‌کنند و حماسه روم «انه ئید (*Aeneise*) سروده «ویرژیل»، شاعر برجسته رومی سده نخست پیش از میلاد است. در پیشانی تمدن ایران نیز، بزرگ حماسه زبان فارسی، شاهنامه می‌درخشد. حماسه معروف فرانسویان «سروده رولان» است. حماسه معروف انگلیسی‌ها، «بهشت گمشده» جان میلتون و کهن‌ترین حماسه آنان، «بیوولف» است. حماسه آلمانی‌ها، «سروده نیبلونگن» است. حماسه معروف ایتالیایی‌ها نیز «اورشلیم» و «کمدی الهی» دانته است (رک: البعلبکی، ۱۹۸۰م: ۳/۱۵۲ و ۷/۳۳؛ موسی، ۱۹۸۴م: ۱۱۰؛ نوفل، ۱۹۷۰م: ۹-۱۰؛ کامل، ۲۰۰۹م: ۸۲).

در این حماسه‌ها، شخصیت‌های اسطوره‌ای و خارق‌العاده و گاه غیر معقول به ایفای نقش پرداخته‌اند؛ همانند شخصیت آشیل در ایلیاد هومر یا رستم و اسفندیار در شاهنامه فردوسی.

۱-۱- پیشینه تحقیق

شایان ذکر است که تاکنون در موضوع حماسه و حماسه‌سرایی در ادبیات عربی، مقاله‌های زیر نوشته شده است:

۱) «حماسه‌سرایی در ادبیات عرب» از محمد فاضلی. ۲) «تأملی در ادبیات حماسی عربی در عصر حاضر» زهرا رفیعی راد ۳) «نگاهی به عناصر ادبی در منظومه حماسی کربلاء اثر سعید العسلی» عبدالحسین فقهی و سید مهدی نوری کیدقانی ۴) «بررسی ویژگی‌های حماسه در ملحمة عید الغدیر بولس سلامه» علی صابری و سعیده بیرجندی. در زمینه حماسه‌های اسلامی به طور خاص، تاکنون هیچ مقاله و کتاب مستقلی نگاشته نشده است. البته در چند تحقیقی که درباره ادبیات اسلامی نگاشته شده، بگونه‌ای جزئی و گذرا به این حماسه‌ها اشاره شده است که از آن جمله‌اند: کتاب‌های «الأدب الإسلامي انسانیة وعالمیة» اثر عدنان رضا نحوی؛ «الشاعر أحمد محرم، دراسة في حياته وشعره» اثر مصطفى الفار؛ «الأزریة» اثر شیخ کاظم أزری؛ «أثر الإسلام في الشعر الحديث في سوريا» نوشته محمد عادل هاشمی؛ «مآثر الإمام علی(ع) والإمام حسین(ع) في وجدان بولس سلامة و شعره» اثر بولس سلامه؛ «تاریخ الأدب العربي في ضوء المنهج الإسلامي» از محمود البستانی؛ و «مولد النبي» اثر سعید العسلی؛ و مقاله «علی بن أبی طالب في الشعر العالمی وفي القصة والملحمة العربیتین» اثر حسن الأمين؛ اما در زمینه بررسی حماسه‌های اسلامی، این مقاله، تنها تحقیقی است که بگونه‌ای مبسوط به نقد و بررسی حماسه‌های اسلامی پرداخته است.

الف: حماسه‌های اسلامی: تعریف، ویژگی‌ها و عناصر

تعریف حماسه‌های اسلامی

حماسه‌های اسلامی، آثار منظوم و به ندرت مثنوی هستند که به شرح فضایل و مناقب

بزرگان دین می‌پردازند. این گونه آثار، که خالی از خرافه‌ها و افسانه‌ها بوده و از ایمان، توحید، قرآن، سنت و زبان عربی برگرفته شده‌اند، فصل شورانگیزی را در ادبیات عربی به خود اختصاص داده‌اند. این اشعار بیانگر جانفشانی‌ها و مجاهدت‌های گروهی برای حفظ دین، نبرد با سرکشان و ستیزه‌جویان و بر انداختن آداب و رسومی است که خلاف عقاید دینی است. گر چه مدار سخن این حماسه‌ها دین است؛ اما محور اصلی آنها، بزرگانی همچون پیامبر(ص)، امام علی(ع) و امام حسین(ع) است. این سروده‌های بلند داستانی، آمیخته‌ای از شعر غنایی و شعر تعلیمی و روایت مستقیمی از رخداد‌های صدر اسلامند که تخیل در آنها کم رنگ است.

این آثار در ادبیات عربی با حماسه «مجد الاسلام» از أحمد محرم که به «الإلیاذة الإسلامية» نیز مشهور است، آغاز گردید. سپس أحمد شوقی با سرودن «دول العرب و عظماء الاسلام» و بولس سلامه با حماسه «عید الغدیر» در این عرصه گام‌های مؤثری برداشته و ادامه دهنده راه او شدند.

ویژگی‌های حماسه‌های اسلامی

۱- این حماسه‌ها به توصیف جنگ و جهاد در راه خدا می‌پردازند و خرافه و اسطوره در آنها راهی ندارد. ۲- درون‌مایه آنها بر اساس درستی و حقیقت است و تخیل در آنها کم رنگ است. ۳- تصویر حماسه در ادبیات عربی از طبیعت زبان عربی، تاریخ اسلام، کتاب خدا و سنت پیامبر(ص) و ائمه(ع) سرچشمه می‌گیرد. ۴- «حماسه‌های اسلامی با دین و زبان عربی پیوند خورده است و با پیامبر(ص)، ائمه(ع) و احادیث شریف آنان ارتباطی تنگاتنگ دارد. ۵- این حماسه‌ها از عاطفه و عشق صادقانه شاعران به پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) و اصحاب وی، سخن می‌گویند» (نحوی، ۱۹۹۴م: ۲۱۰). ۶- این حماسه‌ها با بیان تاریخ و رخداد‌های آن، نقش مهمی در جاودانه ساختن نام بزرگان امت اسلامی ایفا می‌کنند. ۷- واقع‌گرایی از جمله ویژگی‌های حماسه‌های اسلامی است، که آنها را در چارچوب شعر تعلیمی قرار داده است. ۸- حماسه‌های اسلامی عصر حاضر، پاره‌ای از ویژگی‌های شاهکارهای حماسی جهان مانند قهرمان‌پروری و تقدیرگرایی را دارا هستند. ۹- با گذشت زمان و به تأثیر از

داستان‌نویسی غرب، حماسه‌های اسلامی در عصر حاضر، پختگی بیشتری یافتند. ۱۰- این اشعار آشکار کننده حقایق اسلام و عظمت مبادی آنند که در شخصیت پیامبر(ص) تجلی یافته است و در واقع این قصاید نوعی دعوت به اسلام با سبک هنریند. ۱۱- عبارت‌ها در حماسه‌های اسلامی از فرهنگ اسلامی، بویژه قرآن به عنوان نخستین منبع فرهنگ و شریعت اسلامی تأثیر گرفته است (ر.ک: ضیف، ۱۴۲۷ق: ۱۸۹؛ یازجی، ۱۹۹۵م: ۲۰؛ یعقوب، بی تا: ۱ / ۱۱۹۱).

عناصر حماسه‌های اسلامی

۱. موضوع: حماسه‌های اسلامی به موضوعی از موضوعات جامعه اسلامی و تاریخ آن می‌پردازند و بدین سبب با جامعه اسلامی، تاریخ و اندیشه‌های آن پیوند خورده است (ر.ک: نحوی، ۱۹۹۴م: ۱۹۸-۲۰۰؛ دقاق، ۱۹۹۶م: ۷۷). ۲. زمان: رخداد‌های حماسه‌های بزرگ جهان، در زمان‌های دور و نامعلومی که به هم مرتبط نیستند، شکل می‌گیرند؛ اما حماسه‌های اسلامی در دوره زمانی محدود و مشخصی شکل گرفته است. ۳. هدف: حماسه‌های اسلامی، هدف مشخصی دارند؛ هدف ایمانی است که از توحید و حقیقت امت اسلامی سرچشمه گرفته است.

ب: علل گسترش حماسه‌های اسلامی در ادبیات معاصر عربی

۱- روحیه دینی و وحدت اسلامی

هنگامی که فرانسه به دولت عثمانی حمله کرد و فتنه‌هایی را برانگیخت و الجزایر و تونس را اشغال کرد، انگلیس نیز هند را از جهان اسلام جدا کرده و مصر و عراق را به اشغال خود درآورد. پس از آن، دیگر کشورهای اروپایی نیز تلاش کردند تا کشورهای عربی را یکی پس از دیگری اشغال کنند (ر.ک: شراد، ۱۹۸۷م: ۱۲؛ محمد، ۱۹۷۲م: ۳۲۹)؛ در این هنگام، جهان اسلام، چاره‌ای جز گردآوری نیروها و دعوت به ایجاد وحدت اسلامی و گسترش روحیه حماسی دینی در جامعه اسلامی نداشت.

ظهور سروده‌های حماسی در خصوص وقایع دینی و تاریخ اسلامی، می‌توانست به تحقق این امر کمک شایانی کند؛ زیرا بارزترین و شاخص‌ترین ویژگی حماسه‌های اسلامی، پیوند و ارتباط تنگاتنگ آن‌ها با دین و زبان عربی است. چنین نکته‌ای حاکی از

این است که حماسه‌های اسلامی به فراخور موضوع خود، می‌توانستند عامل مؤثری در ایجاد همبستگی میان مسلمانان و تقویت روحیه دینی باشند؛ بنابراین، این حماسه‌ها محرکی در جهت ارتقاء روحیه دینی بودند و با چنین هدفی به منصفه ظهور رسیدند. به نظر می‌رسد بر همین اساس بود که جای خود را میان مخاطبانشان باز کردند و در نظر همگان مقبول افتادند.

۲- جبهه‌گیری در برابر جریان غرب‌گرایی و ملی‌گرایی

غرب‌گرایی در قرن نوزدهم و بیستم میلادی، مصادف با زمانی شکل گرفت که جهان اسلام ضعیف شده بود. این جریان با هدف از میان برداشتن اتحاد مسلمانان صورت گرفت و آنان برای اجرای این نقشه پلید، از ابزارهای بسیاری استفاده کردند. ابتدا برای چیره کردن فرهنگ غربی و جایگزین کردن آن به جای فرهنگ و شریعت اسلامی، جهان اسلام را به سرزمین‌های متعدد تجزیه کردند و تلاش نمودند تا روحیه تعصب ملی یا ملی‌گرایی را در میان سرزمین‌های عربی و اسلامی گسترش دهند. سپس برای احیای میراث کهن فرعون، فینیقی و آشوری در سرزمین‌های اسلامی و دمیدن روح ملی‌گرایی و ارزش‌های بی‌دینی تلاش کردند. سومین نقشه آنان، عدم اعتماد مسلمانان بر گذشته و میراثشان بود. آنان معتقد بودند که اندیشه عربی از گذشته تا به امروز، غرق در نمونه‌های اندیشه قدیمی است که زمانش از میان رفته و اثری در فرهنگ کنون عربی ندارد. گرامی داشتن فرهنگ و تمدن اروپایی، انکار فرهنگ و میراث اسلامی، همراه با کنار گذاشتن دین از زندگی و جدایی دین از سیاست از دیگر ابزارهایشان بود. در واقع این نقشه شوم، اثر ویران‌کننده‌ای در زندگی مسلمانان داشته است. دگرگونی اندیشه‌ها در میان طبقه فرهنگی، چیرگی مادی‌گرایی بر مسلمانان و دوری از معنویت و گسترش عادت‌های غربی در بسیاری از سرزمین‌ها، از جمله عوامل هجوم فرهنگی غرب بود که عکس‌العمل اندیشمندان مسلمان، روی آوردن به اسلام و استفاده از آموزه‌های آن در تمامی شئون زندگی بود (ر. ک: هاشمی، ۱۹۸۶م: ۷۷-۹۷؛ جندی، ۱۹۷۵م: ۱۴۱؛ فرج، ۱۹۷۹م: ۶۴۷).

پیشتر ذکر شد که هدف حماسه‌های اسلامی، ایمان است؛ ایمانی که از توحید و

حقیقت اسلامی سرچشمه گرفته است و این حماسه‌ها با انگیزه دعوت به اسلام و حقایق ارزنده آن به وجود آمده‌اند. در حقیقت پیدایش حماسه‌های اسلامی نقطه مقابل دو جریان ملی‌گرایی و غرب‌گرایی است که بی‌دینی و اسلام‌ستیزی را سرلوحه کار خود قرار داده و حاکمیت اضطراب و ناآرامی بر اندیشه‌های مردم و گریختن آنان از دین و معنویت را خواستار بودند؛ بنابراین شاعران در جبهه‌گیری در برابر این دو گرایش، حماسه‌های اسلامی را آفریدند. دعوت به اسلام به سبک هنری در قالب اشعاری حماسی و بعبارت دیگر دعوت با ابزاری ادبی و فرهنگی، برای مقابله با این دو جریان و ممانعت از گسترش آثار و نتایج زیانبار آنها، بسیار مثمر ثمر بود.

۳- ترجمه

در اوایل قرن نوزدهم میلادی، ادبیات عربی از راه ترجمه و اطلاع مستقیم از دانش‌ها و ادبیات غرب، افق‌های تازه‌ای را در برابر خود گشود. با ترجمه متون ادبی، از جمله ترجمه منظوم ایلید هومر توسط سلیمان بستانی و نوشتن مقدمه‌ای مفصل بر آن، نفخه حماسه‌سرایی در ادبیات عربی دمیده شد و سبب شد که حماسه، به ادبیات عربی راه یابد. برخی معتقدند ترجمه کتاب «اسطوره قرن» ویکتور هوگو نیز، به دلیل برانگیختن احساسات میهن پرستانه، توانسته است در رشد و گسترش حماسه‌های اسلامی نقش بسزایی داشته باشد (ر.ک: دقاق، ۱۹۹۶م: ۷۷). همچنین ترجمه شاهنامه به عربی توسط فتح بن علی بُنداری در قرن هفتم میلادی و نیز ترجمه بخش‌هایی از شاهنامه به همراه توضیحات مبسوطی توسط دکتر عبدالوهاب عزام در عصر حاضر، نقش بسزایی در تحریک شاعران برای سرودن حماسه‌های اسلامی داشت؛ تا بدین وسیله خلأ موجود در موضوع حماسه را در ادبیات عربی پر نمایند (ر.ک: مختاری، ۱۳۸۹: ۳۴ به بعد؛ جمال‌الدین، ۱۳۸۹: ۱۲ به بعد). ترجمه این آثار، شاعران عرب را با شاهکارهای حماسی جهان آشنا کرد و ذوق و قریحه سرشار آنان را به وادی حماسه و حماسه‌سرایی کشاند. علاوه بر آن، ترجمه حماسه‌های برجسته، بویژه حماسه عظیم فردوسی یعنی شاهنامه و آشنایی با آن، روحیه ادبی مناسب با آن را نیز به فرهنگ اسلامی و ادبیات عربی انتقال داد و حماسه به دلیل زمینه مناسبی که در دوره معاصر نسبت به دوره‌های پیشین پیدا

کرد، بیش از پیش مورد توجه شاعران عرب قرار گرفت؛ بنابراین، شاعران معاصر عرب با نظر به سبک و مضمون آثار برجسته حماسی، برخی مفاهیم شعری خود از جمله قهرمان‌پروری و تقدیرگرایی را از آن آثار گرفته و اقدام به خلق حماسه کردند، که این مهم به مدد ترجمه این آثار فراهم آمد.

ج: بررسی برجسته‌ترین حماسه‌های اسلامی در ادبیات معاصر عربی

۱- حماسه «مجدالاسلام» یا «الإیاذة الإسلامية»

حماسه «مجدالاسلام» با سه هزار بیت، به زیبایی، زندگانی پیامبر(ص) را از زمان تولد تا وفات ترسیم می‌کند. این حماسه به درخواست «سید محب الدین خطیب» برای ثبت مفاخر اسلام سروده شده است. أحمد محرم، موضوع حماسه‌اش را از جنگ‌های صدر اسلام، هجرت و جهاد پیامبر(ص) برگرفته است. شاعر، این اثر جاودان را به چند فصل تقسیم کرده و همراه هر فصل، مقدمه‌ای به نثر آورده تا خواننده‌ای که با تاریخ اسلام آشنایی ندارد، به راحتی بتواند از آن بهره گیرد. شاعر برجسته، در این حماسه به تمامی رخدادهایی که بر پیامبر(ص) گذشته، اشاره می‌کند. اشعار او به سبب موضوعی که بدان پرداخته، مورد استقبال نویسندگان و ادیبان جهان عرب قرار گرفت و دیری نپایید که این اشعار در صفحات روزنامه‌های مختلف عربی به چاپ رسید.

«احمد زکی ابوشادی، این حماسه را دُرّ یگانه ادبیات عربی می‌داند؛ زیرا نه تنها تاریخ را به تصویر می‌کشد، بلکه بیان هنری زیبایی از روح جهان اسلام است که در تمامی جهان سایه افکننده است» (الفار، ۲۰۰۷م: ۵۶-۵۷).

احمد محرم در بخش نخست حماسه‌اش از زندگانی پیامبر(ص) در مکه، هجرتش، اقامتش در مدینه، دوستی و برادری میان مهاجران و انصار، غزوات پیامبر(ص) و رخدادها، قهرمانی‌ها و رشادت‌های وی سخن می‌گوید. وی حماسه‌اش را با این ابیات آغاز می‌کند:

إملاء الأرض يا محمدُ نوراً	واغمرِ الناسَ حكمةً والدُّهورا
حجَّتِكَ الغيوبُ سرّاً تجلّی	يكشِفُ الحُجَبَ كُلَّها والسُّتورا
عَبَّ سَيْلُ الفسادِ في كلِّ وادٍ	فتدفَّقَ عليه حتى يَغُـورا

جنت ترمی غبایه بعباب
ینقذ العالم الغریق ویحمی
راح یطوی سبیله والبُحُورا
أُمَمَ الْأَرْضِ أَنْ تَذُوقَ الثَّبُورا
(محرم، ۱۹۸۲ م: ۴۵)

«ای محمد! زمین را از نور هدایتت سرشار نما و جامعه حکمت و هدفمند زیستن را بر مردمان بپوشان./ غیب‌ها و نا آشکارها، تو را در حجاب سری قرار داده‌اند که آن سیر، برای تو آشکار گردید و تمامی حجاب‌ها و پرده‌ها را زدود./ سیل فساد و تباهی از هر سوی سرازیر گشت؛ بگونه‌ای که نزدیک بود همگان در ژرفای آن فروروند./ آمدی (با پرچم هدایت) تا موج سهمگین آن سیل فساد و تباهی را از مردمان دورنمایی؛ موج سهمگینی (از فساد و تباهی) که تمامی دریاها و سرزمین‌ها را فراگرفته بود./ موج استوار رسالت، دنیای غرق شده در فساد و تباهی را نجات داد و نیز همگان را از چشیدن طعم ناگوار هلاکت و نابودی رهانید.»

حماسه مجد الاسلام یا ایلید اسلامی، عناصر حماسه اسلامی را که پیشتر ذکر شد، بخوبی در خود گنجانده است. احمد محرم در حماسه‌اش به وقایع و رخدادهای حیات پیامبر(ص) که برهه‌ای بسیار مهم از تاریخ اسلام را به خود اختصاص داده است، می‌پردازد؛ بنابراین از حیث موضوع، با جامعه اسلامی و تاریخ و اندیشه‌های آن پیوند خورده و زمان حماسه نیز کاملاً مشخص است. هدف حماسه او بیان دلاوری‌ها و رشادت‌های پیامبر(ص) برای تحکیم و حفظ کیان اسلام و تحقق وحدت اسلامی است تا بدین وسیله گوشه‌ای از فراز و فرودهای تاریخ اسلام را در آن دوره حساس به تصویر کشد و مخاطبان خود را با سبکی هنری به دین و ایمان و معنویتی که دستاورد چنین رشادت‌ها و از خود گذشتگی‌هایی است، فراخواند. احمد محرم با کاربرد واژگان و ترکیب‌های قرآنی و بهره‌مندی از قرآن کریم بعنوان غنی‌ترین منبع حماسه خود، حماسه‌ای عالی و درخور توجه سروده است که بحق ناقدان بدان لقب «الإلیاذة الإسلامية» را داده‌اند. بررسی اشعار حماسه او نشان می‌دهد که وی از معانی و واژگان و ترکیب‌های قرآن متأثر بوده است و با کاربرد صریح این واژگان در جهت ارتقاء حماسه‌اش گام برداشته و حماسه اسلامی خود را قوت بخشیده است. برای نمونه وی در قسمتی از ایلید اسلامی می‌گوید:

أَهَابَ (حَمْرَةَ) بِالْأَبْطَالِ فَانطَلَقُوا وَأَنْسَابَ مُنطَلِقًا يَهْدِيهِمُ السُّبُلَا

(همان: ۱۱۳)

که عبارت «یهدیهم السبلا» تداعی کننده آیه ۶۹ سوره عنکبوت است: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» است.

با توجه به موارد فوق، برداشت ما چنین است که «مجد الاسلام»، هرچند یک حماسه به معنای واقعی کلمه نیست؛ ولی عناصر حماسه‌های اسلامی را داراست و از برجسته‌ترین آن‌ها به شمار می‌رود. چنین امری حاکی از آن است که یک سروده، ممکن است یک شاهکار حماسی نباشد؛ ولی می‌تواند یک حماسه اسلامی برجسته باشد و این به دلیل آن است که حماسه‌های اسلامی در برخی عناصر و ویژگی‌ها از جمله اسطوره، تخیل و نیز زمان، مکان و... از اصل سروده‌های حماسی فاصله گرفته‌اند.

۲- «دول العرب وعظماء الإسلام»

«دول العرب وعظماء الإسلام» حماسه تاریخی اسلامی است که شاعر برجسته معاصر، احمد شوقی آن را در بیست و پنج بخش و هزار و چهارصد بیت سروده است. شوقی در این قصیده به سبک شعر تعلیمی، رخدادهای برجسته تاریخ اسلام را از زمان پیامبر(ص) تا عصر عباسی ترسیم می‌کند. شعر تعلیمی به علت آزادی شاعر در بیان شعری و قافیه‌ها، مقاصد شعر حماسی را بهتر برآورده می‌ساخت و به همین دلیل مورد استفاده شعرای حماسه سرا قرار گرفت. احمد شوقی نیز از جمله افرادی بود که اشتیاق وافر نسبت به کاربرد شعر تعلیمی در داستانهایش نشان داد و کاربرد همین اشعار تعلیمی که به منظور سهولت فراگیری، در بحر رجز سروده می‌شوند، به سهم خود در پیشرفت حماسه سرایی اثر گذار بود.

شاعر پس از حمد و ثنای پروردگار، نوجوانی را مورد خطاب قرار داده، می‌گوید:

وَبَعْدُ فَاسْمَعْ يَا بَنِي وَافِهِمِ لَا تَأْخُذِ الْأُمُورَ بِالتَّوَهُمِ

(شوقی، ۲۰۰۵: ۶۵)

«فرزندم! بشنو و دریاب: مسائل و مطالب را با توهم و تخیل دریافت مکن.»

پس از این مقدمه، شاعر قصیده «لغة العرب» را آغاز می‌کند و زبان عربی را ریسمان

اتحاد و ارتقادهنده برجسته می‌شمارد و به مراحل پیشرفت زبان عربی از بازارها و سجع کاهنان در عصر جاهلی و انتخاب آن به عنوان زبان دین و قرآن اشاره می‌کند؛ سپس به رشد و گسترش این زبان در زمان عباسیان می‌پردازد. پس از آن در قصیده «التاریخ» شاعر، جوان را به پند گرفتن از تاریخ و زندگی گذشتگان فراخوانده، می‌گوید: «تاریخ، کتابی نیست که پایانش نزدیک باشد» (همان: ۷۱). پس از آن، قصیده «الوطن» را می‌آورد و معتقد است وطن جایگاه چشم‌ها، قلب‌ها و هوش‌هاست؛ مکان استخوان‌های پیشینیان و برانگیزاننده فداکاری‌های بزرگ برای دفاع از ارزش‌ها و مقدسات است. در این قصیده بیان می‌کند که چگونه اسلام، امت‌های مختلف را گرد هم آورده است. سپس در قصیده «البيت الحرام» خانه خدا را مهد هدایت می‌خواند؛ مکانی که قدمگاه پیامبران است و مؤمنان و مشرکان در جاهلی و اسلام آن را گرامی می‌داشتند. آخرین قصیده از این فصل «السيرة النبوية» است که به زندگانی پیامبر (ص) از زمان نوجوانی تا انتخاب وی به عنوان امین و هادی برای رسالت می‌پردازد. زمانی که او یتیم بود، عنایت الهی شامل حالش شد و در کنار پدر بزرگ و سپس عمویش پرورش یافت. خورشیاوندانش را به آیات روشن پروردگارش فرا خواند. خدیجه، علی (ع)، حمزه و... به او ایمان آوردند. با دعوتشان مستضعفان را جذب کرد و به این پندار واهی که اسلام تنها با شمشیر بدست می‌آید، پایان داد. در ذیل مطلع قصیده «السيرة النبوية» ذکر می‌شود:

محمّد سلالۃُ الثُّبوةِ ابنُ الذبیحِ الطَّاهرِ الأبُوهِ

(همان: ۹۵)

«محمد (ص) از سلاله پیامبران است. وی فرزند اسماعیل (ع) است که پدري پاک و معصوم داشت.»

این حماسه ارزشمند در بیست و پنج بخش گردآوری شده است که به طور کلی می‌توان آن را به پنج فصل تقسیم کرد: ۱) زندگانی پیامبر (ص) ۲) زندگانی خلفای راشدین ۳) خلافت امویان ۴) خلافت عباسیان ۵) دولت فاطمیان.

حماسه شوقی، از حیث محتوا، اسلامی است و عناصر و ویژگی‌های حماسه‌های اسلامی را داراست. منظومه حماسی او در حین تعریف و توصیف بزرگی‌ها، دلاوری‌ها

و مردانگی‌ها، نمایانگر اندیشه‌ها و عقاید و ارزش‌های اسلامی است؛ هرچند واقع‌گرایی، عنصر پررنگ و مؤثر این حماسه است و سادگی بیان حماسی در آن مشهود است؛ ولی از تخیل و اسطوره که از ویژگی‌های حماسه‌های برجسته است، خبری نیست. بطور کلی، احمد شوقی از مهارت‌ها و توانایی‌های لازم برای سرودن شعر حماسی بهره‌مند بود و حماسه او در شمار برترین حماسه‌های اسلامی موجود است. تلاش شایان او گام جدیدی در ادبیات معاصر عربی بود که راه را برای سرودن دیگر حماسه‌های معاصر و دیگر حماسه‌پردازان مانند بولس سلامه گشود.

۳- عید الغدیر

حماسه «عید الغدیر» بولس سلامه از حماسه‌های مشهوری است که جایگاه ویژه‌ای را در ادبیات عربی به خود اختصاص داده است. این حماسه به دلیل رعایت بسیاری از ویژگی‌های هنری حماسه، در جهان ادب از مقبولیت برخوردار شده است، به گونه‌ای که به «سلامه»، لقب «شاعر ملحمی» داده‌اند (ر.ک: قش، بی تا: ۳۷۷). نامگذاری این حماسه به نام «عید الغدیر» از باب نامگذاری جزء بر کل است؛ چرا که سیر داستان، ترسیم زندگی اهل بیت (ع) از آغاز تا پایان حادثه کربلاست و بخشی از حماسه به حادثه غدیر اختصاص یافته است. بولس سلامه، شاعر و نویسنده برجسته مسیحی لبنانی، این اشعار را دومین اثر حماسی خود می‌شمارد و آن را اجابت دعوت «سید عبدالحسین شرف الدین» می‌داند (ر.ک: سلامه، ۲۰۰۴م: ۹-۱۰). نخستین اثر حماسی‌اش، حماسه «عید الریاض» است. او پیشاپیش، به سؤال مقدر کسانی که از حماسه‌سرایی یک مسیحی برای مسلمانان در شگفتند، چنین پاسخ می‌گوید: «درست است که من یک مسیحیم؛ ولی تاریخ به همه جهان تعلق دارد» و می‌افزاید: «من آن مسیحیم که در برابر عظمت مردی که میلیون‌ها انسان در شرق و غرب، روزی پنج نوبت نام او را فریاد می‌زنند، کرنش می‌کند» (همان: ۱۲-۱۳). این حماسه در سه هزار بیت، در بحر خفیف سروده شده و به بیان سیره پیامبر (ص)، جنگ‌های بدر، أحد و خندق، تولد امام علی (ع)، ازدواجش، رخدادهای مهم در زندگیش و واقعه کربلا می‌پردازد و در این زمینه از برجسته‌ترین حماسه‌های جاویدان تاریخ اسلام است.

طرح کلی داستان در ترسیم زندگی اهل بیت (ع)، از دیدگاه هنری، ماهرانه طراحی شده است. از ورود به داستان و جرقه نخستین حوادث که شاعر آن را به دوره جاهلی و صدر اسلام باز می‌گرداند، تا انتقال از رخدادی به رخداد دیگر، تلاش برای تقابل حق و باطل و رویارویی خیر و شر آشکار است و در این راستا، حوادث برجسته مورد توجه او بوده و از ورود به جزئیات یا ماجراهایی که نقش اساسی در طرح داستان ندارد، خودداری کرده است. او به جای ذکر سلسله‌وار رخدادها، به توصیف مهم‌ترین آنها پرداخته است. وی از بکارگیری قهرمانان متعدد که موجب سردرگمی خواننده و عدم انسجام داستان می‌شود، پرهیز کرده و به چند قهرمان اصلی و نامدار در داستان بسنده کرده است. شاعر، نه به دنبال نقل یک رخداد تاریخی است و نه در پی حفظ امانت در بیان رخدادها، بلکه آنچه را با جان و دل دریافته و پذیرفته، در ساختار ادبی حماسه‌اش آورده است. وی از معدود افراد غیر مسلمانی است که بی‌باکانه مفسد حاکمان جور و خیانت آنان را بر ملا کرده و در پرده‌پوشی و توجیه اعمال آنان، تلاش نمی‌کند. خود در مقدمه می‌گوید: «برخی ممکن است گمان کنند که من بنی‌امیه را مورد اتهام قرار داده‌ام، ولی خدا می‌داند جز آنچه در کتب سیره و تاریخ وجود دارد و ادبای معاصر بدان معترفند، نگفتم... بله، بنی‌امیه در شرق و غرب تمدن‌هایی برپا کردند که برای دنیا طلبان چشم‌گیر است، اما کسی که به فضایل روحی می‌اندیشد، همه کاخ‌های جهان را در برابر آن، بی‌ارزش می‌شمارد» (همان: ۲۰).

شاعر در پاسخ به این سؤال که چرا امام علی (ع) و فرزندان او را بدین منظور برگزیده است، به دلاوری، صبر، شجاعت و حق‌گویی آن بزرگان اشاره کرده و خود را عاشق و شیفته صفات و ویژگی‌های والای آنان می‌داند. وی این عشق بی‌شائبه را در ابیات پایانی حماسه‌اش به نمایش می‌گذارد:

عُدَّ مَنْ فَرَطَ حُبَّهُ عَلِيًّا	جَلَّجَلُ الْحَقِّ فِي الْمَسِيحِيِّ حَتَّى
هَامَ وَالْعَدْلَ وَالْأَخْلَاقَ الرُّضِيَّا	أَنَا مَنْ يَعِشُقُ الْبَطُولَةَ وَالْإِلَّا
فَلَقَدْ كَانَ خُلْفَهُ نَبِيًّا	فَإِذَا لَمْ يَكُنْ عَلِيًّا نَبِيًّا

یا سماءُ اشهدی ویا أرضُ قُرّی وَاخْشَعِی، اِنِّی ذَکَرْتُ عَلِیَا

(همان : ۲۳۰)

«صدای حق و حقیقت در دل شخصی مسیحی مذهب به صدا درآمد؛ تا جایی که از شدت دوستی علی(ع)، علوی مذهب به شمار آمد. / من شیفته دلآوری، شجاعت، عدالت و خلق و خوی نیکو و پسندیده علی(ع) هستم. / اگر علی(ع) پیامبر نبود؛ ولی از خلق و خوی نیکوی پیامبر(ص) برخوردار بود. / ای آسمان! گواهی بده و ای زمین! چشمانت روشن باد و خاشع و فروتن باش؛ چرا که من از علی(ع) (و صفات نیکوی او در اشعارم) یاد کردم.

چنانکه پیشتر ذکر شد، عید الغدیر از میان سایر حماسه‌های اسلامی، درخشش بیشتری یافته است و بیش از سایر آثار، از عناصر و ویژگی‌های حماسه بهره برده است. موضوع این حماسه، دلآوری‌ها و فداکاری‌های دو تن از برترین شخصیت‌های اسلام یعنی امام علی(ع) و امام حسین(ع) است که از این طریق با تاریخ اسلام پیوند خورده است. حوادث ذکر شده در حماسه؛ فتح قلعه خیبر و حماسه کربلا، هر یک از حوادث خارق‌العاده و فراتر از عقل و اندیشه بشری است که این امر، جنبه حماسی اثر را تقویت کرده و رنگ و بوی حماسی آن را افزوده است. سلامه با بکارگیری بحر خفیف که متناسب با چنین موضوعی است، موسیقی حماسه‌اش را با موضوع آن متناسب کرده است. وی از خیال‌بافی پرهیز کرده و حماسه‌ای مستند و مطابق با واقعیت سروده؛ چرا که خیال‌بافی و بیان حوادث غیر حقیقی را با روح حماسه اسلامی سازگار نمی‌بیند. همچنین شور و هیجان و پویایی که لازمه آثار حماسی است، در حماسه غدیر، بویژه در ابیاتی که از شکستن درب خیبر یاد می‌کند، تا حد زیادی مشهود است. سلامه در عین حال از سادگی و روانی سبک حماسی نیز غافل نبوده است و سبک و واژگانش را به تناسب موضوعش برگزیده است. تمامی موارد مذکور سبب شده که حماسه وی از مقبولیت بیشتری برخوردار شود و او را شاعر ملحمی لقب دهند (ر.ک: صابری و بیرجندی، ۱۳۸۹: ۸۷-۹۸).

البته حماسه‌های اسلامی دیگری نیز سروده شده است که از شهرت کمتری برخوردارند، در پایان مقاله به آنها اشاره‌ای خواهد شد.

۱- حماسه الأزرية از شیخ کاظم أزری؛ با این مطلع:

لَمَنْ الشَّمْسُ فِي قَبَابِ قِبَاهَا شَفَّ جِسْمُ الدُّجَى بِرُوحِ ضِيَاهَا

(الأزرى، ۱۹۸۹م: ۱۱۵)

«آن خورشید تابان که در بلندای گردون جای دارد، از آن کیست؟ خورشید تابانی که نور درخشانش، تن تاریکی‌های جهالت و گمراهی را رنجور کرده است (مقصود شاعر، پیامبر(ص) است که با رسالتش، جهالت و گمراهی را از میان مردمان زدود)».

۲- «الملحمة العربية» اثر زکی المحاسنی (ر.ک: شبر، ۲۰۰۱م: ۲۷۰/۱۰). وی در حماسه‌اش رشادت‌های قهرمانان اسلام را به تصویر می‌کشد. ابیات این حماسه از هشتاد بیت فراتر نمی‌رود. مطلع حماسه «الملحمة العربية»:

عَاطِفِي دَمْعًا وَخُذْ مَنِّي عَيْنًا وَاحْسِينًا وَاحْسِينًا وَاحْسِينًا

(همان: ۲۷۰)

«در مصیبت حسین(ع) اشک بریز و از شدت اشک ریختن، چشمانم را نابینا نما».

۳- حماسه «من أناشيد الملحمة الكبرى» از حلیم دموس (ر.ک: البعینی، ۱۹۹۱م: ۱۱۱-۱۱۵)؛ با مطلع ذیل:

نَظَمْتُ لِقَوْمِي مِنْ رَوَائِعِ مَجْدِهِمْ أَنَاشِيدَ إِنْ يَسْعَدُ بِهَا الْعَرَبُ أَسْعَدُ

(همان: ۱۱۱)

«نغمه‌های شگفت‌انگیزی را برای مردمان سرودم که اگر قوم عرب سعادت را بخواهد، می‌تواند با آن سعادت‌مند شود.»

حماسه شاعر، شبیه به ایلید هومر شاعر یونانی و شاهنامه فردوسی است و به عنوان دایرة المعارف شعری از تاریخ عرب است که به توصیف رشادت‌ها و قهرمانی‌ها از زمان جاهلی تا دوره معاصر می‌پردازد.

۴- دو حماسه «محمد» و «خالد» از عمر ابو ریشه

عمر ابو ریشه با دو قصیده حماسی با عنوان «محمد» و «خالد» در عرصه حماسه‌سرایی گام نهاد. قصیده «محمد» وی از صد بیت، در وزن و روی یکسان تشکیل شده است که به شرح زندگانی پیامبر(ص) از زمان کودکی تا وفات وی می‌پردازد. ابیاتی

از حماسه محمد(ص):

وَإِذَا هَاتَفَ يَصِيحُ بِهِ «إِقْرَأ» فَيَدْوِي الوجودَ بالأصدا
وَإِذَا فِي خَشْوَعِهِ ذَلِكَ الْأُمِّي يَتَلَوُ رِسَالَةَ الْإِيحَاءِ
وَإِذَا الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ شَفَاه تَتَغَنَّى بِسَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ
(ابوريشه، ۱۹۸۸ م: ۵۰۲)

«ناگهان بانگی برآمد که بخوان؛ بانگی که انعکاسش در تمام گیتی پیچید. / آن امی، با خشوع و فروتنی اش، رسالت وحی را بر همگان خواند/ و ناگهان زمین و آسمان به سخن درآمدند و به مدح و ثنای سرور و سالار پیامبران پرداختند».

قصیده «خالد» نیز شرح زندگانی خالد بن ولید و نبردهای اوست (ر.ک: همان: ۵۰۲ به بعد؛ دندی، ۱۹۸۸ م: ۱۵۳-۱۵۴) که مطلع آن، اینست:

أَعْلَمْتُمْ مَنَ الْفَتَى الْمُشْتَبِي بوشاح البطولة الأرجواني
إنه ابن الوليد زغرودة النص ر وأنشودة الجهاد الباني
(ابوريشه، ۱۹۸۸ م: ۵۴۴-۵۴۵)

« آیا دانستید: کیست مبارزی که جنگاوریش در میدان کارزار، زینت بخش شمشیر اوست؟ / وی خالد بن ولید است که پیوسته پیروزی را فرا می خواند(همواره در میدان کارزار پیروز است) و اوست سروده جهاد در راه خدا.»

۵- حماسه «حدیث کربلا» از نصیراوی

«حدیث کربلا» با مقدمه‌ای از زندگانی امام حسین(ع) آغاز شده و به حاشیه‌هایی که به شرح شخصیت‌ها و رخدادها می‌پردازد، زینت یافته است. شاعر پس از نقل برخی سخنان امام با اصحاب و اصحاب با یکدیگر، بخش‌هایی از خطبه امام حسین(ع) را خطاب به لشکریان «عمر سعد» نقل کرده و کوشش امام را در اتمام حجت بر آنان به تصویر می‌کشد. پس از ترسیم صحنه‌ها و کشته شدن یکایک اصحاب امام، صحنه شهادت امام و منظره جانگزار پس از آن را به نظم در می‌آورد. هدف شاعر ترسیم رخدادهای روز عاشورا با همه جزئیات بوده است (ر.ک: النصیراوی، بی.تا: ۱۲ به بعد). نصیراوی حماسه خویش را با این ابیات به پایان می‌برد، که زبان حال ما و زینت بخش پایان نوشتارمان نیز هست:

يا ربَّ فارحَمنا بِحقِّ أَحمدِ
وبالحسينِ صاحبِ المُصابِ
وآلهِ الأخيارِ مِن أهلِ العبا
وحيدرِ وفاطمَ والسيدِ
ومَن هُمُ عدلٌ إلى الكتابِ
الطيبينَ الطاهرينَ النُّجبا

(همان: ۱۷۶)

۳- نتیجه

در آغاز قرن نوزدهم میلادی، دگرگونی‌های بسیاری در همهٔ زمینه‌ها بویژه در زمینهٔ ادبیات رخ داد. کشورهای عربی نیز همانند دیگر کشورها درآستانهٔ شکوفایی قرار گرفتند. نمونه‌ای از این شکوفایی در ادبیات عربی، رشد و گسترش اشعار حماسی اسلامی بود. نوپایی حماسه‌های اسلامی در جهان عرب و آمیختگی آن با واقعیت‌های تاریخی و روایی، سبک خاصی را به این نوع ادبی و تاریخ ادبیات معاصر عربی بخشیده است که موجب تمایز آن از حماسه‌های ایرانی و یونانی شده است.

بسیاری از آنچه به عنوان حماسه‌های اسلامی در جهان عرب مطرح شده است، شبیه نظم متون است و سرایندگان آن‌ها کوشیده‌اند که سیر تاریخی خاصی را به شیوهٔ نظم دنبال کنند و کمتر از آرایه‌های لفظی و خیال‌پردازی بهره برده‌اند. شاعران، بیشتر به ترسیم و بیان معجزات و ذکر کرامات شخصیت‌ها پرداخته‌اند و خیال در آن‌ها بندرت دیده می‌شود. آنان از موقعیت‌هایی که برای برانگیختن تخیل در دسترسشان بوده است، کمتر بهره برده‌اند. در حقیقت، این حماسه‌ها که بیشتر رنگ دینی و مذهبی دارند، اشعار داستانی هستند که شکل شعر تعلیمی به خود گرفته‌اند و تاریخ صدر اسلام و رخدادهای آن را به تصویر می‌کشند. این حماسه‌ها در عصر حاضر با هدف دعوت به میراث اسلامی بسیار راه گشا بودند و بدین ترتیب حماسه‌های اسلامی، رسالت خود را در دوره معاصر ایفا کردند.

منابع

ابن خلدون، المقدمة، بیروت، دارالجمیل، الطبعة الأولى، ۲۰۰۴م.

ابن منظور، لسان العرب، المجلد السادس، بیروت، دارصادر، الطبعة الأولى، ۱۴۱۰هـ/۱۹۹۰م.

- أبوريشة، عمر، ديوان عمر أبوريشة، بيروت، دارالعودة، الطبعة الأولى، ١٩٨٨م.
- الأزري، شيخ كاظم، الأزرية، بيروت، دار الأضواء، ١٩٨٩م.
- الأمين، حسن، «علي بن أبي طالب في الشعر العالمي وفي القصة والملحمة العربيين»، مجلة الثقافة الإسلامية، دمشق، العدد الرابع عشر، ١٤٠٨ق.
- البستاني، محمود، تاريخ الأدب العربي في ضوء المنهج الإسلامي، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية، الطبعة الأولى، ١٤١٣ق.
- البلعكي، منير، موسوعة المورد، بيروت، دارالعلم للملايين، ١٩٨٠م.
- البيعي، نجيب، شعراء العرب والمعاصرون؛ دراسات ومختارات، بيروت، دار المناهل، الطبعة الأولى، ١٩٩١م.
- الجاحظ، عمرو بن بحر، البيان والتبيين، الجزء الثاني، تحقيق فوزي عطوي، بيروت، دار الصعب، ١٩٦٨م.
- جمال الدين، محمد سعيد، نكاهه های فارسی بر سنگ نوشتة ادب عربی، ترجمه و تحقيق: قاسم مختاری و محمود شهبازی، اراك، دانشگاه اراك، چاپ اول، ١٣٨٩ش.
- جندي، الأنور، خصائص الأدب العربي في مواجهة نظريات النقد الأدبي الحديث، القاهرة، دار الإعتصام، الطبعة الأولى، ١٩٧٥م.
- الصحائري، جعفر عباس، «ملاحم على غرار ملحمة»، مجلة تراثنا، قم، العدد الثالث، السنة الثانية، ١٤٠٨ق.
- حميد، محمد ابوبكر، ديوان علي أحمد باكثير «أزهار الربى في شعر الصبا»، بيروت، دار المناهل، ١٩٨٧م.
- دقاق، عمر و ديگران، تطور الشعر الحديث والمعاصر، بيروت، دار الأوزاعي، ١٩٩٦م.
- نددي، محمد اسماعيل، عمر أبوريشة، دراسات في شعره ومسرحياته، دمشق، دار المعرفة، ١٩٨٨م.
- سلامة، بولس، مآثر الإمام علي والإمام حسين في وجدان بولس سلامة وشعره، بيروت، دارالحمراء، الطبعة الأولى، ٢٠٠٤م.
- شبر، جواد، أدب الطف، بيروت، مؤسسة التاريخ، ٢٠٠١م.
- شراد، شلتاغ عبود، أثر القرآن في الشعر العربي الحديث، دمشق، دار المعرفة، الطبعة الأولى، ١٩٨٧م.
- شوقي، أحمد، دول العرب وعظماء الإسلام، بيروت، دارالجيل، الطبعة الثانية، ٢٠٠٥م.
- صابري، علي و بيرجندي، سعیده، «بررسی ویژگی های حماسه در ملحمة عيد الغدير بولس سلامة»، فصلنامه پژوهش ادبی، شماره ١٩، ١٣٨٩ش.
- علوان السحلي، قصي سالم، الشبيبي شاعراً، بغداد، وزارة الأعلام، الطبعة الأولى، ١٩٧٥م.

- الفار، مصطفى، شاعر أحمد محرم؛ دراسة في حياته وشعره، عمان، منشورات أمانة عمان الكبرى، ٢٠٠٧م.
- فرج، علية علي، التعليم في مصر بين الجهود الأهلية والحكومية، الإسكندرية، دارالمعرفة الجامعية، ١٩٧٩م.
- كامل، مجدي، ملاحم وأساطير خالدة: جلجامش / الشاهنامه، دمشق، دار الكتاب العربي، الطبعة الأولى، ٢٠٠٩م.
- محمد، محمد حسين، الإتجاهات الوطنية في الأدب العربي المعاصر، بيروت، دار النهضة العربي، الطبعة الثالثة، ١٩٧٢م.
- مختارى، قاسم، «شاهنامه در جهان عرب»، فصلنامه علمى پژوهشى: پژوهش زبان و ادبيات فارسى، شماره ١٧، ١٣٨٩ش.
- معلوف، لوئيس، السمنجد في اللغة، انتشارات پيراسته، چاپ چهارم، ١٣٧٤ش.
- موسى، منيف، سليمان البستاني في حياته وفكره وأدبه، دارالفكر اللبناني، بيروت، الطبعة الأولى، ١٩٨٤م.
- النحوي، عدنان رضا، الأدب الإسلامى انسانية وعالمية، رياض، دارالنحوي، الطبعة الثانية، ١٩٩٤م.
- النصراوي، ابراهيم علوان، حديث كربلا، قم، المكتبة الدينية المختصة، الطبعة الأولى، بى.تا.
- نوفل، محمد نبيل، ملحمة جلجامش، القاهرة، دار المعارف، ١٩٧٠م.
- المهاشمي، محمد عادل، أثر الإسلام في الشعر الحديث في سوريا من مسيلون ١٩٢٠م إلى جلاء ١٩٤٠م، الأردن، مكتبة السمنار، ١٩٨٦م.
- اليازجي، كمال، حول الأدب العربي، بيروت، دار الجيل، ١٩٩٥م.
- يعقوب، إميل بديع، المعجم المفصل في اللغة والأدب، ج ١، بيروت، دار العلم للملايين، بى تا.